

بررسی وضعیت بازار کار در ایران

دکتر صادق بختیاری

مقاله حاضر گزیده ای از متن سخنرانی آقای دکتر صادق بختیاری معاونت سیاستگذاری و اشتغال وزارت کار و امور اجتماعی است که روز پنجشنبه ۸۲/۷/۲۴ در جمع اعضای انجمن اقتصاد دانان ایران در محل اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران ایراد گردیده است.

۱۳۸۰ و ۱۳۷۵) افزود، در سال ۱۳۵۵، در حدود ۳۴ درصد جمعیت ده ساله و بیشتر در بخش کشاورزی شاغل بوده اند، این رقم در سال ۱۳۶۵ یعنی ده سال بعد ۲۹ درصد، سال ۱۳۷۰ برابر با ۲۴/۵ درصد، در سال ۱۳۷۵، ۲۳ درصد و در سال ۱۳۸۱ رقمی در حدود ۲۲ درصد بوده است. این رقم در بخش صنعت و خدمات با نوساناتی مواجه بوده به طوری که در سال ۱۳۵۵ در حدود ۳۱/۸ درصد، در سال ۱۳۶۵ به ۴۵/۷ درصد، در سال ۱۳۷۰ به ۴۷/۹ درصد و در سال ۱۳۸۲ به ۴۷/۴ درصد رسیده است. سخنران در بخش دیگری از سخنان خود به نرخ بیکاری پرداخت و گفت نرخ بیکاری در سال ۱۳۸۰ برابر ۱۴/۲۲ درصد بوده که در سال ۱۳۸۱ به ۱۲/۹ درصد رسیده و طی آخرین آماري که بدست آمده در حال حاضر نرخ بیکاری در کشور برابر با ۱۱/۶ درصد است. چنانچه بخواهیم این نرخ را به تفکیک گروه های سنی مقایسه نماییم می بینیم که بیکاری در میان جمعیت ۱۵-۲۹ ساله در سال ۱۳۸۰ برابر با ۲۷/۴ درصد، و در میان جمعیت ۱۵-۱۹ ساله در همان سال برابر با ۳۳/۵۶ درصد بوده است ولی در سال ۱۳۸۱ وضع اندکی بهبود پیدا کرده و به رقم ۲۶/۸ درصد رسیده است. در صورتی که بخواهیم این نرخ را به تفکیک بین مردان و زنان بسنجیم می بینیم که نرخ بیکاری زنان در سال ۱۳۸۰ در گروه سنی ۱۵-۲۹ ساله برابر با ۳۴/۹ درصد و در سال ۱۳۸۱ معادل ۳۴/۲۴ درصد بوده است که نرخ بسیار بالایی به نظر می رسد و با توجه به افزایش نرخ مشارکت زنان در بازار کار، چنانچه اقدامی در جهت سرمایه گذاری، ایجاد اشتغال و فعال کردن بخش های اقتصادی صورت

های سنی مختلف بر حسب جنسیت می توان گفت که در سال ۱۳۷۵، ۳۹ درصد جمعیت فعال در گروه سنی ۱۵-۲۹ سال قرار داشتند، در سال ۱۳۸۰ این رقم به ۴۱ درصد و در سال ۱۳۸۱ به ۴۳/۵ درصد رسید که پیش بینی می شود این رقم تا سال ۱۳۸۵ به ۵۱/۶ درصد برسد. آقای دکتر بختیاری آنگاه با توجه به اطلاعات فوق و اطلاعات مربوط به نرخ مشارکت گروه سنی ۱۵-۲۹ سال در بازار کار مقایسه ای انجام داد و نتیجه گیری کرد که نرخ مشارکت در گروه های مختلف ده ساله به بالا - ۱۵-۲۹ ساله و ۱۵-۶۵ ساله در کل جمعیت در سال ۱۳۷۵ در حدود ۳۷ درصد، در سال ۱۳۸۰، ۳۹ درصد و در سال ۱۳۸۱ برابر با ۴۰ درصد بوده است. در این میان نرخ مشارکت زنان در سال ۱۳۷۵ برابر با ۱۱/۶ درصد، در سال ۱۳۸۰ معادل ۱۴/۷ درصد و در سال ۱۳۸۱ در حدود ۱۳/۵ درصد بوده که در مقایسه با نرخ مشارکت زنان در سال ۲۰۰۱ در کشورهایی مانند کانادا ۵۸/۹ درصد، اندونزی ۵۱/۵ درصد، آلمان ۴۸/۲ درصد، انگلیس ۴۳/۷ درصد، ترکیه ۳۱/۳ درصد و سوریه ۲۰ درصد، می بینیم که این نرخ در کشور ما بسیار پایین است. بنابراین، با توجه به آمار بالای پذیرفته شدگان دانشگاه ها و با توجه به سهم شدن زنان در تأمین هزینه زندگی، این آمار به نفع ورود زنان به بازار کار خواهد بود و قطعاً بر نرخ مشارکت زنان روز به روز افزوده می شود و این بیانگر آن است که باید آمادگی بیشتری جهت ایجاد کار و برای تازه واردان به بازار کار وجود داشته باشد. آقای دکتر بختیاری در ادامه، با اشاره به آمار نفوس و مسکن سالهای (۱۳۴۵-۶۵) و (۱۳۸۱-۱۳۸۰)

این سخنرانی حول دو محور قرار داشت، ابتدا بیان اجمالی و نگاهی به آمارهای مربوط به شاخص های جمعیتی و شاخص های اشتغال و بیکاری براساس آخرین اطلاعات بدست آمده توسط مرکز آمار ایران و سپس اشاره ای به برخی از سیاست هایی که طی دو سال اخیر توسط وزارت کار و امور اجتماعی جهت روبرویی با معضل بیکاری به کار گرفته شده است. در ابتدا، آقای دکتر بختیاری ضمن اشاره به شاخص جمعیتی ۱۵-۲۹ ساله یادآور شد که کل جمعیت مذکور در سال ۱۳۷۵ برابر با ۱۷ میلیون نفر بوده که در سال ۱۳۸۰ به ۲۱ میلیون رسید و پیش بینی می شود که در سال ۱۳۸۵ تعداد افراد این گروه سنی به ۲۴/۵ میلیون نفر برسد. وی سپس با اشاره به جمعیت فعال (۱۵-۶۵ ساله) کشور که در سال ۱۳۷۵ در حدود ۳۳ میلیون نفر و در سال ۱۳۸۰ به ۴۰ میلیون نفر رسید افزود پیش بینی می شود که این رقم در سال ۱۳۸۵ به ۴۷ میلیون نفر برسد. آقای بختیاری در ادامه به میانه سنی جمعیت اشاره کرد و گفت در سال ۱۳۷۵ میانه سنی جمعیت ایران ۱۹ سال بود که در سال ۱۳۸۰ به ۲۱ سال رسید، یعنی نیمی از جمعیت کشور ما زیر سن ۲۱ سال هستند. وی آنگاه با توجه به نسبت وابستگی یعنی تقسیم تعداد جمعیت فعالی که زیر سن کار کردن هستند (۱۴-۰ ساله) و جمعیت فعال بالای ۶۵ سال بر جمعیت در سن کار (۱۵-۶۵ ساله)، افزود این نسبت در سال ۱۳۷۵ به ۷۸ درصد و در سال ۱۳۸۰ به ۵۷/۸ درصد رسید. در واقع، جهت ارایه تصویری بهتر از سهم گروه

نگیرد، به طور قطع این رقم در آینده بیشتر خواهد شد.

توزیع نسبی بیکاران بر حسب سطح سواد و جنسیت نیز به این صورت است که در سال ۱۳۷۵، ۱۷/۷ درصد از جمعیت بیکاران بیسواد مطلق بوده اند و این رقم در سال ۱۳۸۰ به ۶/۲ درصد و در سال ۱۳۸۱ به ۴/۳ درصد کاهش پیدا کرده است. در سال ۱۳۷۵ در حدود ۷۴ درصد مجموع بیکاران را افراد دارای میزان تحصیلات زیر دیپلم (یعنی با سوادان مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) تشکیل می دادند. جمعیت بیکار دارای تحصیلات عالی در سال ۱۳۸۰ برابر با ۱۰/۳ درصد بوده است. در سال ۱۳۸۱، در حدود ۲۰ درصد بیکاران را فارغ التحصیلان رشته های حقوق و علوم قضایی، ۱۸ درصد فارغ التحصیلان رشته هنرهای زیبا، و ... تشکیل می دادند، بر حسب تفکیک استانی نیز بیشترین نرخ بیکاری یعنی ۲۷/۲ درصد مربوط به استان لرستان و کمترین نرخ بیکاری به استان آذربایجان شرقی با ۵/۸ درصد است.

آقای بختیاری در ادامه افزود: این وظیفه دولت یا وزارت کار نیست که بخواهد ایجاد اشتغال کند، چنانچه در هیچ کجای دنیا و هیچ نظریه اقتصادی نیز این امر به چشم نمی خورد. بلکه ما در اقتصاد کلان بازار، کالا و پول را داریم و بازار کار به عنوان بازار مشتقه از اینها است یعنی اگر در دو بازار دیگر تعادل باشد، در بازار کار نیز تعادل به وجود می آید. بنابراین، چنانچه در بازار کار مشکل داریم نباید به سراغ کار برویم باید ببینیم تولید و سرمایه گذاری چه ایرادی دارد و آنجاها باید حرکت کرد تا نتیجه آن را در بازار کار ببینیم. از این رو، اولین نکته قابل توجه این است که برای رفع مشکل فعلی و مشکلات دیگری که در آینده خواهیم داشت، راه حل اساسی آن است که وارد بازارهای اصلی بشویم، روی تولید و سرمایه گذاری تمرکز کنیم و در عین حال، آنگونه که در همه جای دنیا مرسوم است و دولت به عنوان بستر ساز عمل می کند، باید سیاست هایی را اتخاذ کنیم که بخشی از معضل ما را حل کند یا انگیزه هایی برای بخش خصوصی ایجاد کند تا آن بخش وارد صحنه شود و به رفع معضل بیکاری کمک کند.

آقای دکتر بختیاری در پایان با اشاره به طرح ۳۰۰ هزار فرصت شغلی گفت طبق تئوری های اقتصادی دو نوع سیاست در این زمینه وجود دارد:

سیاست های فعال بازار کار و سیاست های منفعل بازار کار. سیاستهای منفعل یعنی به سمت بیکار برویم و از طریق سیاست های حمایتی مانند پرداخت بیمه بیکاری بخواهیم از او حمایت کنیم و سیاست های فعال یعنی از طریق آموزش فنی و حرفه ای با حمایت از بخش ها و قسمت هایی از اقتصاد که زمینه اشتغال در آنها بیشتر است، برای ایجاد اشتغال بستر سازی کنیم. یکی از سیاست های پیش بینی شده در قانون برنامه سوم ماده ۵۶ است که بابت خود اشتغالی هر فرد بیکار مبلغ ده میلیون ریال وام پرداخت می شده است. بنابراین با استفاده از ادبیات نظری و شواهد تجربی به این نتیجه رسیدیم که حالا که براساس قانون مقرر گردیده این مبلغ پرداخت شود، چه بهتر این مبلغ در اختیار کارفرما قرار بگیرد تا انگیزه ای باشد برای ایجاد اشتغال یعنی هزینه به کارگیری نیروی کار برای کارفرما کاهش یابد. در ماده ۴۹ قانون برنامه سوم نیز پیش بینی شده بود که دولت می تواند حق بیمه سهم کارفرما را برای بهبود اشتغال بپردازد.

بنابراین با توجه به تجربیات بدست آمده از اجرای اولین طرح ضربتی اشتغال در طرح جدید شرایطی برای کارگاه متقاضی وام و کارگر جویای کار منظور گردیده و تمهیداتی برای رفع برخی از نارسایی های طرح قبلی نیز اندیشیده شده است.

